



سیدمهدی طالبی، پژوهشگر حوزه بین‌الملل

اعتراضاتی که از روز جمعه در لس آنجلس با جمعیتی ۶۰ نفره آغاز شد و به جمعیتی ۴۰۰ نفره رسید، به دلیل شدت عمل ترامپ با اعزام ۲ هزار سرباز گارد ملی، ادامه یافته و از نظر جغرافیایی نیز به دیگر شهر های ایالت کالیفرنیا مانند سانفرانسیسکو و برخی دیگر ایالت‌ها رسیده است. اعتراضات زمانی آغاز شد که مأموران اداره مهاجرت بازرسی های سفت و سختی از کسب و کارهای مناطق حومه‌ای لس آنجلس داشته و ۴۴ نفر را دستگیر کردند. خشونت بالای ترامپ در برخورد با معترضان باعث شده تا برخی معتقد باشند او عاملدانه تلاش می کند با شدت عمل، دامنه اعتراضات را گسترده‌تر کرده تا بتواند بهانه‌ای برای امنیتی سازی و سرکوب جامعه و مخالفان به دست آورد.

■ ■ ■

– نکات

ادامه یافتن اعتراضات باعث شده تحولات شکل بزرگتری گرفته و وقایع و افراد دیگری نیز به آن متصل شوند. در این باره نکاتی وجود دارد.

جبهه‌بندی سیاسی

۱

«گوین نیوسام» فرماندار ایالت کالیفرنیا، «کامالا هریس» معاون رئیس جمهور سابق و نامزد انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ و «برنی سندرز» سناتور مشهور هر سه از حزب دموکرات به نوع واکنش ترامپ نسبت به اعتراضات لس آنجلس تاخته‌اند. تشکیل صفی سیاسی در قالب تشکیلات حزبی علیه رئیس‌جمهور، به آن معناست که اعتراضات اجتماعی دارای سوه سیاسی نیز شده است.

نکته بسیار مهم در تحولات کنونی آمریکا آن استست که حزب دموکرات اعتراضات را آغاز نکرد، بلکه به آن پیوست. این مسئله نشان می دهد حزب دموکرات علی‌رغم تشکیلات گسترده و توانایی های پیشین خود در ساماندهی اعتراضات خیابانی، امروزه درصدد بهیویرداری از اعتراضات خیابانی است.

۲

برنی سندرز، سناتور چپ‌گرای مشهور آمریکایی در توصیف

لشکر ۲۰۰۰ نفرهٔ ترامپ برای سرکوب چه اثری بر فضای سیاسی آمریکا دارد؟

انتخابات ۲۰۲۸ از لس آنجلس شروع شد

وحشت؛ دستورکار داخلی –خارجی ترامپ

اگر ترامپ در سیاست خارجی سیاست وحشت را در برابر دشمنان به کار می گیرد، در داخل نیز تصمیم گرفته‌ش آن را در برابر رقبای استفاده کند.

«الکس پادیا» سناتور دموکرات ایالت کالیفرنیا روز یکشنبه خطاب به معترضان گفت: «به اعتراض ادامه دهید، چون ترامپ دوست دارد همه ساکت بشینند تا او همچنان فراتر از حدود قدرت خود برود، بی رحمی را به گوشه‌وکنار آمریکا ببرد و قانون را زیر پا بگذارد.» در میانه تنش‌ها، رئیس امور مرزها در دولت ترامپ نیز فرماندار کالیفرنیا را به دستگیری تهدید کرده است. نیوسام در واکنش به این تهدید در شبکه ام‌اس‌ان‌بی‌سی گفت: «بیا سراغ من، دستگیرم کن، بیا تماشا کنیم، قلدر! برای من مهم نیست، اما برای جامعه‌ام اهمیت قائلم.»

۹

«الکس پادیا» سناتور آمریکایی معتقد است «سرکوب جوامع مهاجر و بسیج گارد ملی تلاش برای انحراف افکار عمومی از لایحه ویرانگر کنگره» است. او به همین دلیل معترضان محلسی را به ادامه اعتراضات مسالمت‌آمیز تشویق کرده است. لایحه‌ای که ترامپ به کنگره ارسال کرده است، یکی از عوامل اصلی جدایی ماسک از وی به حساب می‌آید. این مسئله نشان‌دهنده اهمیت و اثرات بزرگ این لایحه است که بسیاری معتقدند باعث افزایش بدهی‌های آمریکا خواهد شد.

۱۰

مسئله مهاجران، در درون خود دعوایی میان آنگلو ساکسون‌های پروتستان و لاتین‌تباران کاتولیک برای تسلط و نفوذ بر آمریکااست. از این رو پرچم‌های مکزیک توسط برخی از معترضان برافراشته شده است. در جریان این تحولات تاکنون «کلودیا شینیان» رئیس‌جمهور مکزیک و «پاپ لئو چهاردهم» رهبر کاتولیک‌های جهان واکنشی منفی به اقدامات ترامپ نشان داده‌اند. لئو چهاردهم که متولد آمریکا است، مدت‌ها در پرو خدمت کرده و تابعیت این کشور را نیز در اختیار دارد.

شدت عمل ترامپ در دوره دوم بیش از اندازه زیاد است. تهدید به توقف قراردادهای دولتی در شرایطی رخ داد که «جو بایدن» رئیس‌جمهور سابق آمریکا با وجود حمایت ماسک از جریسان رقیب، او را تهدید نکرده بود. ترامپ در برابر هرگونه تحول داخلی، با شدت عمل رفتار می‌کند و این شاخه جدید دولت دوم اوست.

۵

لس آنجلس به سنگر تبدیل شده است. اگر اعتراضات در این شهر ادامه یابد، با توجه به فعال شدن مخالفان ترامپ، حزب دموکرات و احتمال تحرک مهاجران در دیگر نقاط کشور، آمریکا رو به ناآرامی سراسری خواهد رفت. ترامپ اگر از مدیریت تنش‌ها در لس آنجلس باز بماند، در کلیت آمریکا با مشکل روبه‌رو خواهد شد.

۶

ورود هریس به تنش‌ها نشان می‌دهد حزب دموکرات هنوز سیاستمداری در قامت او نیافته است. به نظر می‌رسد احزاب آمریکا با کاهش تمایل به معرفی گزینه‌های جدید مواجه شده‌اند. حزب جمهوری خواه شاهد بازگشت ترامپ بود و کامالا هریس با وجود شکست در انتخابات، همچنان مطرح است. از سوی دیگر او یاما نیز فعالیت‌های خود را پررنگ‌تر کرده است. هریس با اظهارنظری خود می‌تواند ضمن در دست گرفتن نبض تحولات و تثبیت خود به عنوان گزینه دموکرات‌ها، پایگاه رأی خود را نیز تقویت کند.

۷

تلاش ترامپ برای تحریک به ایجاد درگیری

۷

ترامپ از حرکت روی گسل دولت مرکزی و دولتی ایالتی درصدد استفاده از حافظه تاریخی دوره جنگ داخلی سال‌های ۱۸۶۵–۱۸۶۱ است و می‌خواهد بسا تحریک مقامات ایالت کالیفرنیا به مواجهه و صف‌آرایی در مقابل دولت مرکزی، بتواند مشروعیت سرکوب و برخورد را به بهانه امنیت کشور بیاورد. بهانه دولت مرکزی برای برخورد با ایالت‌ها در دوره ریاست جمهوری «آبراهام لینکلن» اعلام استقلال ایالت‌های جنوبی در پی فشارهای مختلف دولت مرکزی، مانند محدودیت‌های تجاری و برده‌داری بود و درحال حاضر بهانه ترامپ، اخراج مهاجران است.

■ ■ ■

بن بست راهبردی اسرائیل در غزه؛ نتانیاهو میان گروگان‌ها، حماس و بقای سیاسی‌اش گرفتار شده است

دولت اسرائیل؛ گروگان جنگ

گزینه او احتمالاً دنبال کردن یک راه میانه است که گزینه‌های پیش روی او را همچنان زنده نگه دارد و اعتقاد متحدانش را که نتانیاهو در کنار آن‌هاست حفظ کند و این راه میانی مستلزم ادامه عملیات در غزه است.

– بازی اعتماد به نفس

زمانی که اسرائیل وارد جنگ غزه شد، تقریباً به اتفاق آرا بین اسرائیلی‌ها این توافق وجود داشت که حماس باید از بین برود. اما به زودی مشخص شد که دو هدف نظامی اسرائیل – آزادی گروگان‌ها و نابودی حماس – نمی‌توانند در یک چهارچوب زمانی هم‌زمان محقق شوند. حتی با فرض اینکه ریشه‌کن کردن حماس که هنوز هم از حمایت مردمی قابل توجهی در غزه برخوردار است- ممکن باشد، انجام این کار سال‌ها طول خواهد کشید. گروگان‌های اسرائیلی اما چنین زمانی ندارند. بر اساس تحلیل نیویورک تایمز، بین اکتبر ۲۰۲۳ تا اوایل مارس ۲۰۲۵، ۴۱ گروگان اسرائیلی در اسارت جان باختند. برخی بر اثر گرسنگی، بیماری و قتل جان خود را از دست دادند و برخی دیگر به طور تصادفی در نتیجه عملیات نظامی اسرائیل از بین رفتند.

از آنجا که اسرائیل به‌وضوح یک هدف را بر دیگری اولویت نداده است، هنوز به هیچ‌یک از این اهداف دست نیافته است. از زمان آغاز جنگ، اسرائیل بسیاری از رهبران ارشد حماس، از جمله یحیی سنوار، رئیس این گروه در غزه را کشته است. اما این سازمان هنوز یک ساختار حکمرانی دارد و رهبران باقیمانده آن برای جلوگیری از تلاش‌های اسرائیل برای ترور آن‌ها به دنبال حفظ یک سپر انسانی – نوعی بیمه‌نامه – در قالب تعداد کمی از گروگان‌ها که بیشترشان سرباز هم هستند، می‌باشند. چنین ترتیبی برای نتانیاهو غیرقابل قبول است. برای او تنها دو گزینه روی میز است: تسلیم کامل حماس و اخراج رهبری آن از غزه یا ادامه جنگ تا زمانی که ارتش اسرائیل به همان نتیجه برسد. در سناریوی دوم، او احتمالاً حماس را مسئول مرگ گروگان‌های دیگر می‌داند.

با روی کار آمدن ترامپ، هرگونه امیدیی به اینکه ایالات متحده بتواند اسرائیل را وادار کند تا به آتش‌بس پایدار بایندد بماند، از بین رفت. اگرچه ترامپ نتانیاهو را تحت فشار قرار داد تا با آتش‌بس ۷۲نوی موافقت کند، اما از آن زمان رویکرد دولت او بابسامان و آشفته‌شده است. هر چند روز یک بار، تیم آمریکایی پیشنهادهای جدیدی ارائه می‌کند، اما بحث‌ها همچنان به بن‌بست می‌رسد. ترامپ اکنون بین بی‌علاقگی به درگیری و ایده‌های فانتزی، مانند پیشنهاد او در فوریه مبنی بر اینکه ایالات متحده می‌تواند مالکیت غزه را در دست بگیرد و آن را به یک منطقه توریستی جذاب تبدیل کند، دست و پنجه نرم می‌کند. دولت ترامپ واقعاً با این تناقض اساسی که مذاکرات جدی صلح را به تعویق می‌اندازد، مواجه شده یا به دنبال حل آن نیست؛ نتانیاهو اصرار دارد که هر فرایند آتش‌بس باید به فروپاشی حماس ختم شود. اما این خط قرمزى است که حماس مایل به عبور از آن نیست، اگرچه بنا بر گزارش‌ها ممکن است این گروه در نظر داشته باشد قدرت سیاسی خود را کنار گذاشته و در عین حال قدرت نظامی خود را حفظ کند؛ نوعی مصالحه که در لبنان با رضایت حزب‌الله در حال آزمایش است. با این حال، نه آمریکایی‌ها و نه میانی‌های عرب اهل مصر و قطر تاکنون نتوانسته‌اند رهبران حماس را برای امضای توافقی متقاعد کنند که در رسالت سیاسی نهایی آن‌ها پایان دهد؛ کنترل مبارزه فلسطینیان علیه اسرائیل.

سایر تحولات باعث شده که نتانیاهو به دنبال راه‌حلی برای این موضوع نباشد. در حال حاضر، ارتش اسرائیل تا حدی از شوک ۷ اکتبر بهبود یافته است. توانایی حماس برای سازماندهی یک حمله بزرگ دیگر یا پرتاب موشک‌های متعدد به خاک اسرائیل تنزل یافته است. در جبهه‌های دیگر هم اسرائیل اکنون دست برتر را دارد. نوامبر گذشته، حزب‌الله مجبور شد با آتش‌بس موافقت کند و اگرچه نیروی هوایی اسرائیل به حملات خود به اهداف این گروه در جنوب لبنان (و هفته گذشته در بیروت) ادامه می‌دهد، اما سازمان آسیب‌دیده هنوز واکنشی نشان نداده است. پس از فروپاشی رژیم پشار اسد در دسامبر، اسرائیل

کنترل بخش‌هایی از جنوب سوریه را به دست گرفته است. بر اثر این پیروزی‌ها، نتانیاهو اکنون باورحیه و شجاع به‌نظر می‌رسد و با نیروی نظامی به تحریکات دشمن که قبلاً تر جیح می‌داد آن‌ها را مهار کرده یا نادیده بگیرد، پاسخ می‌دهد. به عنوان مثال، در اواسط ماه مارس، پس از اصابت شش موشک به خاک اسرائیل، اسرائیل یک انبار پهپاد حزب‌الله را در جنوب بیروت بمباران کرد، اگرچه هنوز مشخص نیست که موشک‌ها توسط چه طرفی پرتاب شده است.

اگرچه دولت بایدن پس از ۷ اکتبر در کنار اسرائیل ایستاد و به جلوگیری از وقوع تشدید تنش بیشتر در منطقه کمک کرد، اما همچنان به دنبال مهار اقدامات نظامی اسرائیل بود. مثلاً، پس از حمله نیروهای اسرائیل به شهر رفح در جنوب غزه در ماه مه گذشته – اقدامی که تیم بایدن نسبت به آن هشدار داده بود – بایدن ارسال مهمات دقیق و بولدوزرهای سنگین به اسرائیل را به تأخیر انداخت. اما ورود ترامپ به کاخ سفید این موازنه را از بین برده است. ترامپ حداقل در آشکار از تمام اقدامات اسرائیل حمایت می‌کند. اما روشی که او با ایده‌هایی مانند الحاق کانادا و ضمیمه کردن گرینلند به خاک خود مطرح می‌کند، این تصور را مشروعیت می‌بخشد که کشورهای قدرتمند می‌توانند به سادگی سرزمینی را از همسایگان خود تصاحب کنند. هنگامی که نتانیاهو در ماه فوریه در واشینگتن به دیدار ترامپ رفت، رئیس‌جمهور ایالات متحده با صدای بلند تعجب خود را از اینکه چرا اسرائیل از برکناری اسد برای تصرف اراضی حتی بیشتری از خاک سوریه استفاده نکرده است، اعلام نمود. نتانیاهو هم متعاقباً چنین ایده‌ای را با کابینه خود در میان گذاشت؛ اگرچه این ایده مورد توجه قرار نگرفت.

– شکاف‌های پنهان

به نظر می‌رسد اسرائیل در موقعیت فرماندهی قرار دارد. در اواسط ماه مارس، ارتش طرحی بلندپروازانه به دولت ارائه کرد تا چندین لشکر در غزه مستقر شود، یک بسیج نیروی جدید برای جذب سربازان ذخیره جدید انجام دهد، ساکنان شمال غزه را به یک منطقه حفاظت شده در جنوب برگرداند و اشغال نظامی کل نوار را در عرض چند ماه تکمیل کند. هرزی هالوی، رئیس سابق ستاد ارتش اسرائیل، به شدت با ایجاد هرگونه دولت نظامی اسرائیل در غزه مخالف بود اما او در اوایل ماه مارس استفاده داد. جانشین او، ایال ضمیر – که از روابط گرم‌تری با رهبران سیاسی اسرائیل برخوردار بوده و درنتیجه آزادی بیشتری برای پیگیری برنامه‌های خود دارد- نشان داده که برای اداره نوار غزه آماده است. دولت ترامپ متعین است صحبت در مورد طرح خود برای پاکسازی غزه از ساکنانش را متوقف کرده باشد، اما سیاستمداران راست‌گرای اسرائیلی همچنان این کار را انجام داده و پیشنهاد ترامپ را به عنوان مجوزی برای بحث آزادتر درباره تشویق مردم غزه به مهاجرت داوطلبانه تفسیر می‌کنند. در عمل، هر پروژه «مهاجرت داوطلبانه» شامل استفاده از نیروی نظامی قابل توجه برای متقاعد کردن ساکنان غزه به ترک خاک خود می‌شود. اسرائیل کاتز، وزیر دفاع اسرائیل که اساساً عروسک خیمه شب‌بازی نتانیاهو است، یک نهاد اداری جدید در وزارت خود برای ترویج مهاجرت عمیق‌تر و تنش‌های داخلی دولت اسرائیل را در اجرای برنامه‌های خود محدود می‌کند. حماس علی‌رغم ضرباتی که متحمل شده است، هنوز با شکست فاصله زیادی دارد. دو فرمانده نظامی بازمنده، عزالدین الحداد و محمد سنوار (برادر یحیی سنوار)، تلاش‌های این گروه برای احیای خود را رهبری می‌کنند. آتش‌بس چند هفته‌ای که در ژانویه آغاز شد و ارسال کمک‌های بشردوستانه بیشتر به غزه را تسهیل کرد هم به حماس اجازه داد تا با توقیف بخشی از این کمک‌ها و فروش آن به غیرنظامیان غزه، منابع مالی خود را تکمیل کند. اسرائیل تخمین زده است که در ماه‌های اخیر، حماس حدود ۲۰ هزار جنگجوی جدید را به خدمت گرفته است و رهبران این گروه در حال حرکت برای سرکوب اعتراضات علیه حکومت خود در شمال غزه هستند. حماس بمب‌های

عاموس هارل، تحلیلگر نظامی روزنامه هاآرتس اسرائیل – روزنامه‌ای که متعلق به جناح چپ و از مخالفان نتانیاهو است – در مقاله «جنگ دائمی در غزه، رهبران هر دو طرف و آمریکا انگیزه کمی برای پایان جنگ دارند» که دروب سایت فارن افرز منتشر شده، به طرح این گزاره پرداخته است که اسرائیل علی‌رغم موفقیت‌های نظامی از این معضل بزرگ رنج می‌برد که دو هدف نابودی حماس و آزادسازی گروگان‌ها به طور همزمان ممکن نیستند و همین مسئله سبب می‌شود که جنگ طولانی‌تر شود. بنیامین نتانیاهو هم که می‌داند صلح با حماس و دست کشیدن از جنگ سبب نارضایتی متحدان افراطی دولت اسرائیل شده و سقوط احتمالی دولت او را به همراه خواهد داشت، همچنان بر طبل جنگ می‌کوبد. مطلب ذیل ترجمه و طبیعی است که همه منطق و الفاظ استفاده شده در این متن مورد تأیید «فرهیختگان» نیست؛ اما جهت اطلاع از ابعاد مختلف موضوع، در یک روزنامه دانشگاهی عیناً منتشر می‌شود.

■ ■ ■

بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، کمتر از دو ماه پس از متعهد شدن به برقراری آتش‌بس مرحله‌ای با حماس، جنگ در نوار غزه را از سر گرفت. بنا به اعلام وزارت بهداشت غزه، در جریان حمله هوایمهاهای جنگی اسرائیل در ۱۸ مارس، ۴۰۰ فلسطینی، از جمله ۳۰۰ زن و کودک، جان خود را از دست دادند؛ آمارى که حتی در مقایسه با تلفات پیشین فلسطینیان، ویران‌کننده محسوب می‌شود. آتش‌بس کوتاه مدت اجازه آزادی ۳۰ گروگانی را که حماس در حمله شوکه‌کننده خود به اسرائیل در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ گرفته بود و همچنین بازگرداندن جسد هشت اسیر مرده را به اسرائیل داد. هفته گذشته هم تل آویو پیشنهاد ازسرگیری آتش‌بس را در ازای بازگرداندن ۱۱ گروگان و ۱۶ جسد دیگر اعلام کرد. اما حتی اگر حماس و اسرائیل به یک توافق کوتاه‌مدت جدید نایل شوند، بعید است غزه به این زودی شاهد صلح واقعی باشد. از زمان کشتار هولناک ۷ اکتبر که جان حدود ۱۲۵۰ اسرائیلی را گرفت، نتانیاهو با عملیات نظامی خود در این منطقه دو هدف را دنبال کرده است: آزادی همه گروگان‌ها و نابودی حماس. اما این اهداف را نمی‌توان همزمان به دست آورد. حماس از پذیرفتن روند صلحی که متضمن نابودی خود است امتناع می‌ورزد و تا زمانی که اسرائیل به این نتیجه متعهد باشد، رهبران بازمنده حماس انگیزه قدرتمندی برای نگه داشتن گروگان‌ها برای جلوگیری از حملات اسرائیل که ممکن است جان ایشان را بگیرد، دارند. این واقعیت بدان معنا است که حتی اگر آتش‌بس از سر گرفته شود، حماس احتمالاً آزادی آخرین گروگان‌ها را به تأخیر می‌اندازد و اسرائیل نیز احتمالاً راه‌هایی برای اجتناب از ادامه مرحله‌ی که به حماس اجازه می‌دهد قدرت خود را حفظ کند، می‌یابد. بنابراین هر توافقی ممکن است دوباره در مراحل پایانی خود از هم بپاشد. نتانیاهو به طور فزاینده‌ای معتقد است که دستور به اقدام نظامی نتیجه می‌دهد. قدرت‌افکنی اسرائیل، شبه‌نظامیان نیابتی! این کشور در لبنان را از کار انداخت. در حالی که تیم جو بایدن، رئیس‌جمهور سابق ایالات متحده تلاش می‌کرد تا تشرایضی‌های اسرائیل را مهار کند، نتانیاهو اکنون متحد سهل‌گیرتری را در کاخ سفید دارد. به نشانه صمیمیت دو رهبر – و اهمیت نتانیاهو برای حفظ ترامپ در تیم خود -نخست‌وزیر اسرائیل به واشنگتن رفت تا برای دومین بار در سه ماه گذشته ترامپ را ببیند. ارتش اسرائیل نیز با احساس جسارت، طرحی گسترده برای اشغال مجدد غزه پیشنهاد کرده است و شرکای افراطی راست نتانیاهو با وقاحت بیشتری پیشنهاد اخراج بیشتر ساکنان غزه را ارائه می‌کنند.

با این حال، هنوز مشخص نیست که آیا نتانیاهو آماده جامه عمل پوشاندن به بزرگ‌ترین رویایهای شرکای سیاسی خود است یا خیر؟ او باید مواضع ترامپ را که قابل تغییر است و آمادگی ارتش اسرائیل برای انجام یک عملیات پرهزینه و طولانی مدت در غزه را در نظر بگیرد. در حال حاضر، بهترین

اسرائیلی را که منفرج نشده بودند، برای مقابله با حمله اسرائیل تبدیل به تله انفجاری در ساختمان‌ها و جاده‌ها می‌کنند. اشغال مجدد غزه منجر به تلفات نظامی بیشتر و احتمالاً کشته شدن گروگان‌های بیشتری خواهد شد. طبق نظرسنجی‌های عمومی متعدد، حدود ۷۰ درصد از اسرائیلی‌ها از توقاف با حماس برای آزادی همه گروگان‌های باقی‌مانده حمایت می‌کنند؛ حتی اگر این کار هزینه‌های بسیار بالایی مانند پایان دادن به عملیات نظامی اسرائیل در غزه یا آزادی هزاران اسیر فلسطینی از زندان‌های اسرائیل را در پی داشته باشد. اما مشخص نیست که آیا این احساسات عمومی به اعتراضی که می‌تواند گزینه‌های نتانیاهو را محدود کند، تبدیل خواهد شد یا خیر. درحالی‌که سربازان اسرائیلی در غزه می‌جنگند و می‌میرند، برای بسیاری از اسرائیلی‌ها تظاهرات علیه دولت بسیار دشوار است. اما اجرای طرح نظامی برای اشغال غزه یا پروژه مهاجرت داوطلبانه خطرات سیاسی جدی را به همراه خواهد داشت. ده‌ها هزار نفر از نیروهای ذخیره نظامی تاکنون صدها روز در طول جنگ خدمت کرده‌اند، امری که تلفات سنگینی بر شغل و خانواده آن‌ها وارد کرده است. درواقع، اسرائیل هرگز با این همه دوگانگی در مورد خدمت سربازی از جانب نیروهای ذخیره خود مواجه نشده است، حتی در طول جنگ بحث‌برانگیز ۱۹۸۲ در لبنان یا انتفاضه دوم که از ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ ادامه یافت. به گفته چندین فرمانده ارتش اسرائیل که من با آن‌ها صحبت کرده‌ام، بسیاری از سربازان ذخیره به فکر فرار از خدمت برای ماندن در کنار خانواده‌های خود هستند. خشم برخی از نیروهای ذخیره به رفتار دولت در خارج از غزه مربوط می‌شود؛ مانند تلاش‌های این نهاد برای حفظ معافیت افراطیون اردوکنس از خدمت سربازی اجباری. اما نیروهای ذخیره اسرائیل عمدتاً خسته و سوخته‌اند.

بنابراین نتانیاهو باید همچنان یک عمل ظریف متوازن انجام دهد. از منظر او، او باید اجرای هرگونه آتش‌بسی که به جنگ پایان می‌دهد و همچنین بازسازی شهرک‌های اسرائیلی در غزه را به تعویق بیااندازد تا رضایت متحدان راست‌گرای خود را حفظ کند. اما او نمی‌تواند به اندازه این متحدان در مورد اشغال مجدد غزه و اسکان مجدد اسرائیلی‌ها در آنجا قاطع باشد. او تاکنون نسبتاً موفق بوده است: تصویب لایحه بودجه توسط پارلمان اسرائیل در اواخر ماه مارس، خطر فروپاشی ائتلاف وی را از بین برد و مانع برگزاری انتخابات زودهنگام شد. اما یکی از جلسات اخیر کابینه نشان داد حفظ این موازنه چقدر چالش‌برانگیز است. پس از اظهارنظر نتانیاهو مبنی بر اینکه دولت در حال بررسی ایده‌های جدیدی برای آینده غزه از جمله واگذاری کنترل این منطقه به کنسرسیومی از کشورهای عربی است، اوریت استروتک، وزیر راست افراطی شهرک‌سازی، خشمگین شد. او فریاد زد: «اما غزه مال ماست، بخشی از سرزمین اسرائیل. آیا آن را به اعراب می‌دهیم؟» نخست‌وزیر از این سؤال طفره رفت. او پاسخ داد: «شاید حکمرانی نظامی. همه نوع گزینه وجود دارد.»

نخست‌وزیر اسرائیل نه‌تنها باید بین مردمی که خواستار آزادی گروگان‌های باقی‌مانده هستند و دیدگاه‌های شرکای سیاسی‌اش که در طلب عظمت هستند، مانور دهد بلکه باید با غریزه ترامپ برای کسب افتخار کنار بیاید. رئیس‌جمهور ایالات متحده ممکن است هنوز به دنبال طرح بزرگ خود باشد: یک توافق بزرگ بین ایالات متحده و عربستان که شامل عادی‌سازی روابط دیپلماتیک بین اسرائیل و عربستان سعودی و همچنین پایان دادن به جنگ در غزه باشد. و نتانیاهو پس از دستگیری دو تن از مشاوران رسانه‌ای خود و بازجویی در مورد پولی که شاید آن‌ها به طور غیرقانونی از دولت قطر دریافت کرده باشند، اکنون با روسایی جدیدی روبه‌رو شده است. با این حال، نخست‌وزیر اسرائیل در این شرایط مقام است. او قصد دارد به هر طریقی که شده جایگاه خود را حفظ کند. روشن نگه داشتن شعله جنگ غزه ساده‌ترین راه برای انجام این کار است، البته بدون توجه به هزینه طولانی مدت برای گروگان‌ها فلسطینی‌ها، خاور میانه و خود اسرائیل.